علیرضا محمدی

پرونده

یادنامه سردار شهید سید محمد حجازی

چندی پیش، شب خاطره‌ای با حضور تعدادی از فرماندهان دوران دفاع مقدس و همرزمان شهید سید محمد حجازی درباره این شهید بزرگوار در سازمان بسیج مستضعفین برگزار شد. در این محفل گرم و صمیمی که سردار سید قاسم فرنیشی، جانشین سازمان بسیج میزبانی آن را بر عهده داشت، دکتر محسن رضایی، سردار رحیم صفوی، سردار اسماعیل قاآنی فرمانده نیروی قدس، سردار محمدرضا فلاح‌زاده جانشین نیروی قدس، سردار اشترنی و چند تن دیگر از سرداران و فرماندهان دفاع مقدس حضور داشتند و به بیان سخنان و خاطراتی در خصوص شهید حجازی پرداختند. بخش‌هایی از مطالب مطرح شده در این محفل را پیش‌رو دارید.

خیبر و قرارگاه شط علی شاهد مجاهدت‌های شهید حجازی هستند

خاطراتی درباره سردار سیدمحمد حجازی به روایت سردار حاج اسماعیل قاآنی فرمانده نیروی قدس سپاه

در مقطعی از دفاع مقدس شهید حجازی به عنوان جانشین فرمانده ناحیه ۸ استان خراسان با رزمندگان این خطه از کشورمان همراه و همرزم شده بود. سردار اسماعیل قاآنی که از شناخته شده‌ترین فرماندهان میدانی استان خراسان در جبهه‌های دفاع مقدس بود، در همین مقطع با سردار حجازی همرزم می‌شود. سال‌ها بعد دوباره این دو و این بار در نیروی قدس سپاه همراه می‌شوند. قاآنی به عنوان فرمانده و حجازی به عنوان جانشین نیرو، این همرزمی را تا شهادت سید محمد حجازی در ۲۹ فروردین ۱۴۰۰ ادامه می‌یابد. سخنان و خاطرات سردار قاآنی در خصوص شهید حجازی را پیش رو دارید.

بخشی از برجسته‌گی‌های شخصیتی شهید حجازی را می‌توانیم از پیام مقام معظم رهبری که در خصوص شهادت ایشان صادر شده بود، دریابیم. این پیام نشان می‌دهد ایشان چه شخصیت برجسته‌ای داشتند. خصوصاً در بعد فکری و دیگر خصوصیاتی که می‌توانیم از این شهید بزرگوار سراغ بگیریم. سال ۱۳۶۱ که ایشان جانشین فرمانده ناحیه۸ خراسان بودند، با شخصیت و فعالیت‌هایش بیشتر آشنا شدم. در آن مقطع با تلاش‌ها و فعالیت‌های آقای حجازی کارهای سپاه در استان خراسان سامان بهتری گرفت. نقش ایشان در آن مقطع در سازماندهی نیروها بسیار تأثیرگذار بود. مدتی بعد عملیات خیبر شروع شد. این عملیات یک ویژگی‌های خاصی داشت، به دلیل رعایت اصول حفاظتی هر کسی که وارد منطقه عملیات می‌شد، دیگر حق خارج شدن نداشت. نیروهای خراسان و لشکر نصر در منطقه شط علی عقب‌نشان بود. از آنجا حدود ۲۰ تا ۲۰ کیلومتر را طی می‌کردند تا می‌رسیدند به منطقه‌ای که باید عملیات را انجام می‌دادند. یک پیچیدگی خاصی داشت؛ جمع و جور کردن نیروها اعزام‌شان، پشتیبانی‌شان و... کار بسیار سختی بود. خب فرماندهان یگان‌ها در گیر مشکلات بودند و کار اعزام و ساماندهی نیروها بر دوش مسئولانی چون شهید حجازی بود. در خیبر برای اولین بار قرار بود از داخل آب به آن وسعت عبور کنیم. به همان میزان که برنامه‌ریزی برای انجام عملیات می‌شد، شاید سخت‌تر از آن، برنامه‌ریزی برای آماده کردن نیروها و تأمین نیازهای پشتیبانی و... نیاز بود و برنامه‌ریزی برای نیروهایی که در خط بودند کار مهم و اساسی بود.

شب اولی که نیروها حرکت کردند، برادر عزیز سردار حجازی با عشق و علاقه و با اهتمامی که داشتند تا در عملیات حضور داشته باشند، آمده بودند اداره و قرارگاه شط علی را بر عهده داشته باشند؛ اعم از اعزام نیروها، تأمین امکانات مورد نیاز و... همه این برنامه‌ریزی‌ها بر عهده ایشان بود. روز اول عملیات مناطق بسیار حساسی تصرف شد و یک جاهایی هم باقی ماند جایی که ما عمل می‌کردیم روی جاده خندق بود و سمت چپ جزایر بود که هنوز تصرف کامل نشده بود، روی جاده خندق باید یک استحکامی عملیات انجام می‌شد تا کار تصرف جزایر کامل شود. اقدام نمی‌فرماندهٔ لشکر نصر بود ما خدمت ایشان بودیم نباشد ما می‌آییم منطقه را حفظ کنیم وقتی رسیدیم به قرارگاه شط علی، دیدیم دشمن یک حجم عظیمی از بمباران را انجام داده است. در همان کنار آب دیدیم که شهید حجازی با یک جدیت و تسلطی بر اوضاع به همرجا رخنه نائی از بمباران شیمیایی و حجم کاری را که آنجا وجود داشت سامان می‌دهد.

همان شب عملیات یادم است که آقا محسن رضایی دستش مجروح شده بود و با همان دستی که به گردنش داشت، از طریق بیسیم با آقا مرتضی حرف می‌زند. آقا مرتضی در خواست پشتیبانی نیرو می‌کرد. شهید صیاد هم تلاش می‌کرد تا بالگرد‌ها را بیاورد برای کار نیروها برای ورود به دل هور با مشکلاتی رو به رو بودند. باید چند کیلومتر به عمق هور می‌رفتند و راه را باز نمودند.

برادرمان آقای حجازی در این بمباران شدید، نیروها را ساماندهی می‌دادند. کمی بعد حدود ۱۰ الی ۱۲ فروند بالگرد اعم از ۲۱۲، شنوک و کبری برای تأمین نیروها آمدند. آقای حجازی خیلی باتنباط و با روحیه آمدند بچه‌ها را سوار این بالگرد‌ها کردند و حرکت کردند به سمت منطقه عملیاتی و به موقع به منطقه مورد نظر رسیدند. به این ترتیب آن منطقه حفظ شد و نهایتاً کار تصرف جزایر کامل شد و استحکام پیدا کرد.

غرض اینکه در آن شرایط بحرانی، ایشان با تسلط توانست اوضاع را ساماندهی می‌کند. تسلط و کنترل داشت به کار و بچه‌ها را ساماندهی می‌کرد. شکر خدا نیروها به موقع رسیدند به منطقه و کار عملیات پیش رفت و جزایر تثبیت شد.

سال ها بعد از اتمام دفاع مقدس، شرایطی پیش آمد تا در جبهه مقاومت بار هم‌را این شهید بزرگوار باشیم. البته خدمات ایشان به جبهه مقاومت بسیار زیاد است و نمی‌شود از همه آنها گفت. سیدحسن نصرالله ایشان را یکی از بهترین نفرات و فرماندهانی معرفی کرده‌اند که در منطقه مقاومت لبنان حضور داشته‌اند. آقای نصرالله الان هم شهید حجازی را اینچنین یاد می‌کنند. این تعریف کسی است که خودش دائم در صحنه مقاومت بوده، است. این تعریف از شهید نشان دهنده ارزش والای تدبیر و برنامه‌ریزی ایشان در صحنه مقاومت لبنان است.

یک نکته‌ای را هم عرض کنم که درس بزرگی در آن است. سال ۶۱ شهید حجازی فرمانده ما بود. ایشان جانشین فرمانده ناحیه منطقه ۸ بود و من هم جزو یگان‌های این منطقه بودم. بعد از دفاع مقدس هم ایشان مسئولیت‌های سنگینی داشت در سپاه و تا جانشینی فرمانده کل سپاه هم آمد. روزی که من از ایشان خواهش کردم و از رهبری اجازه گرفتم جانشین ما شوند، این مرد بزرگ بدون هیچ تأملی آمد و ایستاد و تا آخرین روز شهادت محکم و مردانه و با صلابت ایستاد. می‌توانست بگوید که ایشان زمانی تحت امر من بود، الان نباید من جانشینش شوم یا مسائلی از این دست. به هیچ عنوان در بند این صحبت‌ها نبود. خود این موضوع، منش و بزرگی ایشان را نشان می‌دهد.

عمری سراپا مجاهدت

عمری سراپا مجاهدت، فکری پویا، دلی سرشار از ایمان راستین و آکنده از انگیزه و عزم راسخ، و نیرویی یکسره در خدمت اسلام و انقلاب، خلاصه‌ای از شخصیت این مجاهد فی‌سبیل‌الله است. او در مسئولیت‌های بزرگ و اثرگذار در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خدمت کرده و در همه آنها، سربلند و موفق بوده است. فقدان او حقاً مایه تأسف و اندوه است...

بخشی از پیام مقام معظم رهبری در پی شهادت سردار سیدمحمد حجازی

فرمانده‌ای در تراز انقلاب

■ سید یحیی رحیم‌صفوی

در خصوص شهید بزرگوار سیدمحمد حجازی باید سه نکته را عرض کنم؛ اول اندیشه، دوم اخلاق و سوم رفتار و عملکرد ایشان. سردار حجازی به معنای واقعی یک فرمانده سپاه در تراز انقلاب اسلامی بود و می‌تواند الگویی برای نسل جوان و نسل‌های آتی باشد. اولاً ایشان فرمانده‌ای بود دانا، یعنی دانش داشت و نسبت به کارش مطلع بود. عمیق بود و اهداف راهبردی داشت. نگاهی نافذ و رو به آینده داشت و از ذهن برنامه‌ریزی برخوردار بود.

در طول ۴۰ سال آشنایی من، من ندیدم ایشان آرامش خود را از دست بدهد. هول نمی‌کرد. یک سکینه و آرامشی در کارها داشت و امور را در ابعاد مختلف به خوبی فرماندهی می‌کرد. فرماندهی ایشان هم دو حالت داشت؛ یک رسیدن به پیروزی و دو نیل به پیروزی با کمترین امکانات و کمترین هزینه‌ها. در بررسی زندگی شهید حجازی می‌بینیم که ایشان یک انسان خودساخته و متواضع بود. از خودش تعریف نمی‌کرد. کارهایی را که انجام می‌داد که هیچ وقت بروز و ظهور نمی‌داد.

عملکرد شهید حجازی در سه جبهه مشاهده می‌شود؛ اول در جبهه کردستان، دوم در دفاع مقدس و سوم در جبهه مقاومت اسلامی. شهید حجازی در این سه جبهه حضور فعال داشت و راه ایشان دادند و حضرت آقا هم دستور کتبی دادند بسیج سازندگی تشکیل شد.

همان اوایل جنگ یادم است در جبهه دارخوین که بودیم، ایشان مسئولیت اعزام حفظ کند. نقش فرماندهی شهید حجازی در این خصوص بسیار حائز اهمیت است. ذیل همین هدایتگری بود که بسیج توانست در انتخابات بعدی مردم را هر چه بیشتر پای صحنه بیاورد و میزان مشارکت بالاتر رفت. حضرت آقا فرموده بودند مردم کسانی را انتخاب کنند که روی آنها شناخت دارند و کسانی را برگزینند که باسدار ارزش‌های انقلاب باشند.

نهایتاً روشنگری بسیج در آن مقطع توانست فضایی را ایجاد کند که مجلس هفتم منفوات با مجلس ششم شود و این مهم به دلیل پای کار آمدن هر چه بیشتر مردم انقلابی، خانواده شهدا و ایثارگران در صحنه انتخابات بود. در یک نگاه کلی، در دورانی که شهید حجازی فرماندهی اعزام نیرو به جبهه‌ها را داشت. هزاران نفر می‌آمدند به پادگان گلف و در همان پایین گلف نیروها را آموزش می‌دادند و امکاناتی هم نبود. با یک آرپی‌جی نیرو نهایت آموزش می‌دید. بعد نیروها به جبهه شوش و دزفول و آبادان می‌فرستادند.

تقسیم نیروها واقعاً سخت بود و شهید حجازی چنان خوب مدیریت می‌کردند که واقعاً کار ما را راحت کرده بودند. از زمان من فرمانده عملیات بودم و سردار رشید جانشین من بود، ولی شهید حجازی کار تقسیم نیروها را بهتر از همه ما انجام می‌داد و خیالمان از این بابت راحت بود. بعدها هم ایشان در قرارگاه قدس عملکرد بسیار خوبی داشتند.

در جبهه سوم، یعنی جبهه مقاومت، من سفری به لبنان داشتم و به اتفاق شهید حجازی به دیدار سیدحسن نصرالله رفتیم. در آن دیدار سیدحسن گفت: «در میان تمام فرماندهانی که اینجا آمده‌اند، آقای حجازی را از همه بیشتر قبول دارم.» بعدها من خودم از حاج قاسم سلیمانی شنیدم که گفت از وقتی برادر حجازی رفته است لبنان کار ما راحت شده و خیالمان جمع است. جالب است که خودشهید حجازی هم به من می‌گفت هر وقت حاج قاسم می‌آید اینجا هیچ ابرادی به من نمی‌گیرد. چون حاج قاسم خیلی به کارها نزیر می‌شد، ولی شهید حجازی کارش را آنقدر خوب و درست انجام می‌داد که حاج قاسم خیالش راحت بود.

شهید حجازی یک حالت دلدادگی و احساس مسئولیت عمیقی در مورد انقلاب، کشور، مردم و جبهه مقاومت داشت. یک دید خوشبینانه‌ای هم نسبت به آینده کشور و نظام داشت. سرجمع باید بگویم که حجازی یک فرمانده تراز انقلاب اسلامی و یک پاسدار نمونه و در تراز انقلاب بود. من در تمام این سال‌ها یک گناه یا غیبت، یک بی‌نظمی یا عصبانیت از ایشان ندیدم. خیلی سعه‌صدر داشت.

نقش و تأثیر شهید حجازی در جبهه مقاومت اسلامی به روایت سردار فلاح‌زاده، جانشین نیروی قدس سپاه

تقویت سازمان‌های جهادی مرهون تلاش‌های شهید حجازی است

سیدحسن نصرالله معتقد است سردار حجازی از بهترین، فکورترین و مطلع‌ترین فرماندهان جبهه مقاومت بود

سردار محمدرضا فلاح‌زاده، جانشین نیروی قدس سپاه، از جمله افرادی است که شهید حجازی را در جبهه مقاومت اسلامی همراهی کرده‌است. او صحبت‌هایش از شهید حجازی را با نقل قولی از آیت‌الله مصباح یزدی شروع می‌کند که گفتند: «اولین نشانه ایمان قبول حاکمیت خداست.» شهید حجازی ولایتمدار بود و تبعیت از ولایت یعنی پذیرش سلسله حاکمیت خدا، رسول(ص) و اهل‌بیت(ع). همین ولایتمداری بود که باعث شد رزمنده‌ای چون سید محمد حجازی از دفاع مقدس تا دفاع از حرم، همواره رخت رزم بر تن کند و یادگاری‌های ارزشمندی از خود به جای بگذارد. سردار فلاح‌زاده در صحبت‌هایش به برخی از خاطرات و یادگاری‌های ایشان در جبهه مقاومت اسلامی اشاره می‌کند.

■ **ایمان و عمل**

ایت الله مصباح یزدی جمله‌ای دارند به این مضمون که «اولین نشانه ایمان قبول حاکمیت خداست.» آنهایی که حاکمیت خدا را نپذیرفتند سقیفه را به وجود آوردند. شهید حجازی رزمنده‌ای ولایتمدار بود و ولی‌فقیه در ادامه سلسله حاکمیت الله است، لذا باید بگویم که سردار حجازی حاکمیت خدا، رسول(ص) و اهل بیت (ع) را پذیرفته بود و همین پذیرش حاکمیت خدا، نشانه‌ای از ایمان این شهید بزرگوار است.

در کنار ایمان، عمل (کارنامه عملیاتی) شهید حجازی نیز مملو از نکات ارزشمند است. در دفاع مقدس و عملیات کربلای ۵ ایشان در قرارگاه قدس بود و من تحت امر او بودم. نقش و تأثیر فرماندهی ایشان چه در دفاع مقدس و چه پس از آن در بسیج و ستاد کل و... را در عمل ایشان دیدیم.

■ **اخلاص در عبادت**

نکته بعدی یک حالت خیلی جالب است. ما از نزدیک کار نکرده‌بودیم، اما در سوریه و لبنان حدود یک سال و سه ماه، با هم کار کردیم. من هر چه به او نزدیک‌تر می‌شدم، دوست داشتم بیشتر نزدیک شوم. بعضی افراد هستند که اگر را از نزدیک بشناسی می‌خواهی از آنها دور بشوی، اما شهید حجازی طوری بود که اگر به او نزدیک‌تر می‌شدی، دوست داشتی این نزدیکی را حفظ کنی و بلکه نزدیک‌تر هم بشوی.

ما شیفته اخلاص در عمل و اخلاص در عبادت ایشان شده‌بودیم. هر وقت نماز می‌خواندیم، ایشان پیش‌نماز ما بودند. چه وقتی که در سوریه بودند یا وقتی که در ایران مسجد یا نماز خانه می‌رفتیم، پیش‌نماز ما می‌ایستادند. نمازشان با حضور قلب بود. از همان نمازهایی که انسان را از زشتی‌ها و پلیدی‌ها دور می‌کند.

> من هر چه به او نزدیک تر می‌شدم، دوست داشتم بیشتر نزدیک شوم. بعضی افراد هستند که اگر آنها را از نزدیک بشناسی می‌خواهی از آنها دور بشوی، اما شهید حجازی طوری بود که اگر به او نزدیک‌تر می‌شدی، دوست داشتی این نزدیکی را حفظ کنی و بلکه نزدیک‌تر هم بشوی

■ **توسعه کمی و کیفی حزب‌الله**

در خصوص حضور شهید حجازی در جبهه مقاومت کمتر اشاره شده و من می‌خواهم به این بخش اشاره کنم. ایشان در لبنان دو نقش ایفا کرد. یکی مبارزه با داعش و دیگری مبارزه علیه رژیم صهیونیستی که در حوزه آموزش، مستشاری و حمایت، خوب کار و مدیریت کرد. دوران ایشان دوره توسعه و رشد حزب‌الله بود. چه از لحاظ کمی و چه کیفی تا برای جنگیدن در دو جبهه (صهیونیست‌ها و داعش) آمادگی داشته باشند. غیر از لبنان، شهید حجازی نقش عمده‌ای هم در جبهه مقاومت اسلامی سوریه و مبارزه با تکفیری‌ها در این جبهه نیز ایفا کردند. می‌دانیم که آن زمان ۷۰ درصد سوریه دچار بحران شده‌بود، یکی از مناطقی که می‌خواستند از آن طریق سوریه را دچار مشکل کنند، مرز این کشور با لبنان بود. در نوار مرزی لبنان هم داعش، هم النصره و هم تابعین بودند.

■ **پاکسازی مرز لبنان و سوریه**

در مناطقی چون قلمون غربی و قصیر این گروه‌های تروریستی حضور داشتند. اگر این مناطق پاکسازی نمی‌شدند، هم دمشق، هم حمص، هم جاده مواصلاتی دمشق- حمص که تنها جاده مواصلاتی از پایتخت است همگی تا حلب به خطر می‌افتادند. در اوج فتنه تروریست‌ها در سوریه، شمال این کشور و مرز با لبنان تحت نظر آنها بود. در اینجا نقش شهید حجازی در ساماندهی، فرماندهی و مسائل اطلاعاتی با حزب‌الله برای پاکسازی این مناطق بسیار مؤثر بود. چنانچه در زمستان سال ۹۵ آخرین سنگرها و مناطق سلفی‌ها تصرف شد و تعدادی به هلاکت رسیدند و تعدادی هم از آن مناطق رفتند.

> در اوج فتنه تروریست‌ها در سوریه، شمال این کشور و مرز با لبنان تحت نظر آنها بود. در اینجا نقش شهید حجازی در سازماندهی، فرماندهی و مسائل اطلاعاتی با حزب‌الله برای پاکسازی این مناطق بسیار مؤثر بود. چنانچه در زمستان سال ۹۵ آخرین سنگرها و مناطق سلفی‌ها تصرف شد

خاطراتی از شهید حجازی در دفاع مقدس به روایت محسن رضایی

«سید محمد» از ابتدای جنگ مسئولیت‌های بزرگی در جبهه‌ها داشت

سردار شهید سیدمحمد حجازی از ابتدای دفاع مقدس جزو فرماندهان جنگ به‌شمار می‌رفت. این مطلب را محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه در دوران دفاع مقدس بیان می‌دارد. او خاطراتی از شهید حجازی در جنگ دارد که مؤید این مطلب است.

■ **عملیات رمضان**

در عملیات رمضان، شهید حجازی جزو افراد مطرح بود. من که با فرماندهان صحبت می‌کردم یا اینان هم‌کلامه داشتم، ایشان در آن مقطع مسئولیت توجیه گردان‌ها را بر عهده داشت. نیروهایی که می‌آمدند را توجیه و تقسیم می‌کرد. من یک بخشی از صحبت‌های خودم با ایشان را می‌آورم که مربوط به عملیات رمضان است. در یک جلسه‌ای بودیم همراه با آقای اشجع (از بچه‌های قدیمی جبهه و جنگ) که سیدمحمد (شهید حجازی) به من می‌گوید: «برادر محسن در مورد وضعیت نیروهای تیپ‌ها هماهنگ بکنیم. من می‌پرسم چقدر نیرو از استان‌ها آمده‌اند که تقسیم شوند. ایشان می‌گویند تا فردا ۱۴ گردان و یک گروهان در اختیار ماست. آمار مجروحین و شهدا را به ما ندادند. تا فردا (تیپ) امام حسین(ع) به ۱۴ گردان رسیده و (تیپ) ۲۳ هم ۱۵ گردان شده است. یک گردان راهم پخش کردیم و...» همین طور آقای حجازی توضیح می‌دهد که گردان‌های اعزامی چه اماری دارند و چطور تقسیم می‌شوند.

در ادامه صحبت‌هایمان، من می‌گویم این نیروها را بگیرید و تقسیم کنید. ایشان هم می‌گوید من تا فردا اینها را می‌آورم. سردیم که مسئول اعزام نیروهایش را پاوه بگیرند. من می‌گویم، نه جرأ از مسئول اعزام نیرو، تعاون قرارگاه کربلا هست. سریع بگیرید و موجودی را

> مکالماتی بین من به عنوان فرمانده سپاه و شهید حجازی وجود دارد که مربوط به عملیات رمضان و تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۶۱ می‌شود. ایشان آن موقع مسئولیت توزیع نیروهایی را داشت که از استان‌ها و مناطق به جبهه اعزام می‌شدند. اینطور نبود که آخر جنگ به سطحی از رده‌های بالا رسیده باشد. از همان ابتدای جنگ مسئولیت‌های بزرگی داشت

■ **فرمانده قرارگاه جدید**

یک بخش مهم برای قبل از کربلای ۵ است که همه فرماندهان هستند و شهید حجازی هم هست، یعنی در طراحی عملیات هم هست. ایشان هم در خط مقدم و هم در طراحی عملیات حضور داشت. یک فرمانده قرارگاه جدید شده بود برای ما همیشه این نگرانی را داشتیم که اگر فرماندهان شهید یا مجروح شوند، چه کسی باید جای آنها بنشیند. شهید حجازی و امثال ایشان دغدغه ما را برطرف می‌کردند.

دوستان می‌دانند که شیوه ما جانشین‌پروری بود. فرماندهان اولین کارشان تعیین جانشین بود. یکی از رموزی که سپاه توانست این همه آدم تربیت کند، همین بود. اگر کسی شهید می‌شد، جانشین می‌توانست جایش را بگیرد. در اواخر جنگ شهید حجازی در حد یک فرمانده قرارگاه بود و تعداد جنین افرادی، چند نفر بیشتر نبود.

حساب کنید. ایشان هم می‌گوید چشم و ادامه می‌دهد که منطقه ۳ تا فرد باید ۱۶ گردان می‌رسد. هزار و ۸۰۰ نفر در راه هستند. امروز می‌رسند که مربوط به تیپ کربلا هستند. منطقه ۴ هم که هزار نفر در راه دارد و ان‌شاءالله تا پس‌فردا می‌رسند، یعنی امروز در راه هستند...

این صحبت‌ها مربوط به عملیات رمضان است. تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۶۱. اینطور نیست که ایشان آخر جنگ به سطحی از رده‌های بالا رسیده باشد. از همان ابتدای جنگ حدش این بوده که مسئولیت توزیع نیروهایی را داشت که از استان‌ها می‌آمدند و ایشان منطقه منطقه، گروه به گروه می‌دادند و این نیروها پخش می‌شدند.

■ **در کربلای ۵**

یکی دیگر از خاطرات من با ایشان مربوط به عملیات کربلای ۵ می‌شود. در این عملیات فرمانده قرارگاه قدس مجروح شد و سید محمد عملاً فرماندهی را بر عهده گرفت. در کربلای ۵ خیلی شرایط سختی بود. برادر قاآنی در شلمچه عمل می‌کرد و فشار خیلی سنگینی هم روی ایشان بود. مرتضی (قربانی)، قاسم (سلیمانی) و قاآنی فشار زیادی را تحمل می‌کردند. آتش خیلی شدیدی روی بچه‌ها بود. واقعاً تا آن موقع ما این حجم از آتش را ندیده بودیم. بچه‌ها تعبیر می‌کردند که دشمن زمین را شخم زده است. گلوله بود که کنار گلوله می‌خورد.

در کربلای ۵ فرمانده قرارگاه قدس مجروح شد. ایشان (شهید حجازی) آمد پشت بیسیم. من با آقای کاشانی صحبت می‌کردم که بعد آقای حجازی هم آمد پشت بیسیم. بین من و برادر حجازی و برادر کاشانی صحبت‌هایی می‌شود. سیدمحمد به کاشانی می‌گوید، نمی‌توانیم زیاد نیرو بفرستیم. من می‌گویم، نیرو می‌تواند پشت سیل بند بیاید؟ حجازی می‌گوید از طرف کانال نه نمی‌تواند بیاید. من می‌گویم چرا نمی‌تواند؟ سردار غلامپور هم در ادامه می‌آید و صحبت‌هایی می‌کند. آقای حجازی اینجا می‌گوید که ما بخواهیم حرکت کنیم، احتمال دارد نیروهای عراقی بیایند تنگ هم و راه را ببندند.

از این صحبت‌ها مشخص است که شهید حجازی در خط مقدم است. سنگرهای عراقی‌ها را می‌بیند. دشمن را می‌بیند. منطقه را از نزدیک می‌بیند. نیروها، سنگرها و منطقه و دشمن را می‌بیند. در حالی دارد فرماندهی می‌کند که فاصله نزدیکی با خط مقدم دارد.

■ **در تواجع فتنه تروریست‌ها در سوریه**

سردار شهید سیدمحمد حجازی از ابتدای دفاع مقدس جزو فرماندهان جنگ به‌شمار می‌رفت. این مطلب را محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه در دوران دفاع مقدس بیان می‌دارد. او خاطراتی از شهید حجازی در جنگ دارد که مؤید این مطلب است.

■ **عملیات رمضان**

در عملیات رمضان، شهید حجازی جزو افراد مطرح بود. من که با فرماندهان صحبت می‌کردم یا اینان هم‌کلامه داشتم، ایشان در آن مقطع مسئولیت توجیه گردان‌ها را بر عهده داشت. نیروهایی که می‌آمدند را توجیه و تقسیم می‌کرد. من یک بخشی از صحبت‌های خودم با ایشان را می‌آورم که مربوط به عملیات رمضان است. در یک جلسه‌ای بودیم همراه با آقای اشجع (از بچه‌های قدیمی جبهه و جنگ) که سیدمحمد (شهید حجازی) به من می‌گوید: «برادر محسن در مورد وضعیت نیروهای تیپ‌ها هماهنگ بکنیم. من می‌پرسم چقدر نیرو از استان‌ها آمده‌اند که تقسیم شوند. ایشان می‌گویند تا فردا ۱۴ گردان و یک گروهان در اختیار ماست. آمار مجروحین و شهدا را به ما ندادند. تا فردا (تیپ) امام حسین(ع) به ۱۴ گردان رسیده و (تیپ) ۲۳ هم ۱۵ گردان شده است. یک گردان راهم پخش کردیم و...» همین طور آقای حجازی توضیح می‌دهد که گردان‌های اعزامی چه اماری دارند و چطور تقسیم می‌شوند.

در ادامه صحبت‌هایمان، من می‌گویم این نیروها را بگیرید و تقسیم کنید. ایشان هم می‌گوید من تا فردا اینها را می‌آورم. سردیم که مسئول اعزام نیروهایش را پاوه بگیرند. من می‌گویم، نه جرأ از مسئول اعزام نیرو، تعاون قرارگاه کربلا هست. سریع بگیرید و موجودی را

> مکالماتی بین من به عنوان فرمانده سپاه و شهید حجازی وجود دارد که مربوط به عملیات رمضان و تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۶۱ می‌شود. ایشان آن موقع مسئولیت توزیع نیروهایی را داشت که از استان‌ها و مناطق به جبهه اعزام می‌شدند. اینطور نبود که آخر جنگ به سطحی از رده‌های بالا رسیده باشد. از همان ابتدای جنگ مسئولیت‌های بزرگی داشت

بسیج در دوره فرماندهی سردار سید محمد حجازی از زبان سردار حسین اشتری

هنر شهید حجازی راهبری بسیج در حساس‌ترین شرایط سیاسی کشور بود

در دوران فرماندهی شهید سید محمد حجازی در نیروی مقاومت بسیج، کشورمان دستخوش اتفاق‌های خاصی بود. آن سال‌ها که دولت اصلاحات روی کار بود، فضای سیاسی کشور به سمتی می‌رفت که برخی از جریان‌ها سعی داشتند به اصول نظام اسلامی خدشه وارد کنند. مجلس ششم و مسائلی که در پی داشت، در همین دوره روی کار آمده‌بود. سردار حسین اشتری مشاور عالی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده سابق قرارگاه نیز معتقد است که دوره تصدی شهید حجازی بر بسیج در یکی از حساس‌ترین دوره‌ها بود و ایشان توانست با پای کار آوردن مردم در صحنه، نقش روشنگری و هدایتگری بسیج را به خوبی به منصه ظهور برساند. سردار اشتری که در مقطع فرماندهی شهید حجازی بر بسیج یکی از معاونت‌های این نیرو را بر عهده داشت، به تشریح برخی از عملکردهای بسیج در دوره فرماندهی سردار حجازی می‌پردازد.

■ **مقابله با تهاجم فرهنگی**

دوره ۱۰ سالهای که سردار حجازی فرماندهی بسیج را بر عهده داشت، یک دوره خاص بود و کشور در یک مقطع خاص سیاسی قرار داشت. بسیج با مسائلی چون تهاجم فرهنگی که می‌خواست در سراسر کشور رواج پیدا کند، مقابله می‌کرد. بحث «تهاجم فرهنگی» و لزوم مقابله با آن را مقام معظم رهبری مطرح کردند و هدایت مقابله با این تهاجم نیز با بسیج بود. در چنین شرایطی برگزاری کنگره شهدا و دیگر برنامه‌ریزی‌هایی که می‌شد، در فضای فرهنگی کشور بسیار مؤثر بودند و بسیج نقش اصلی را در این راستا ایفا می‌کرد.

■ **ایجاد فضای مثبت در کشور**

یکی از نکاتی که باید عرض کنم این است که مجلس ششم در همین دوره فرماندهی شهید حجازی در بسیج بود. در آن دوران برخی از اقدامات انجام گرفته باعث شده‌بود، نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی نگران بشوند.

بسیج در آن مقطع در سطح راهبردی به ایفای نقش پرداخت و توانست استقلال خود را در نیروی مقاومت بسیج را برعهده داشتند. یک فضای متفاوتی در کشور شکل گرفت که باعث شد در مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شاهد اتفاق‌های خوبی در کشور باشیم و منشأ خیر و برکت شد.

■ **فرمانده مردمدار و با تدبیر**

من افتخار داشتم که در مقطعی از نیروهای ایشان باشم و از نزدیک با روحیات و شیوه فرماندهی شان آشنایی داشتم. در مورد روحیات ایشان باید عرض کنم که حجازی یک فرمانده با برنامه، شجاع، با اخلاص، مردمدار و با تدبیر بود. به رغم حواندنی که در زمان فرماندهی‌اش در بسیج رخ داد، منش، تدبیر، سعه‌صدر، مدیریت و عقلانیتی که ایشان در شیوه فرماندهی‌اش داشت، باعث شد حتی برخی از افراد با جریان‌هایی که مخالف بودند نیز به ایشان احترام بگذارند به تدبیر و عقلانیت ایشان معترف باشند. ما که با او کار می‌کردیم استرس به ما وارد نمی‌شد. اخلاق خوب و تبسم‌شان به یادماندنی است. هیچ وقت عصبانی نمی‌شد. گاهی پیش می‌آمد که به شوخی می‌گفتیم خب شما هم عصبانی بشوید و یک چیزی بگویید که هیچ وقت عصبانیت او را ندیدیم.

ایشان فرماندهی بود که هم در سطح راهبردی توانمند بود هم در سطح عملیاتی. در برخی از جلسات که خدمت‌شان بودیم، ایشان از مهم‌ترین تا ریزترین مسائل سرک می‌زد و حتی می‌گفت در شهر خودتان اینطور برخورد کنید و ریزترین مطالب را بیان می‌کرد. فرماندهان تک‌تک می‌آمدند دفتر ایشان و در خصوص مسائل مختلف، مشکلات‌شان را می‌گفتند. شهید حجازی هم با تدبیر و بسیار زیبا، در سطح عالی آن مشکل را مدیریت می‌کردند.

■ **دیدار با نصرالله**

یکبار توفیق حاصل شد تا همراه شهید حجازی در لبنان به خدمت آقای سیدحسن نصرالله برسیم. من به نصرالله گفتم که افتخار داشتم در یک مقطعی آقای حجازی فرمانده من بودند و زیر نظر ایشان کار می‌کردم. نصرالله گفت: «ایشان فرمانده همه ما هستند.» این عبارتی بود که خود سیدحسن نصرالله گفت و بعد شروع کرد به تعریف کردن از عملکرد خوب ایشان در جبهه مقاومت. آن خاطره‌ای است که من از سید حسن نصرالله و شهید حجازی در آن جلسه دارم و به خوبی نوع مدیریت و فرماندهی عالی شهید حجازی را بیان می‌کند.

بسیج در دوره فرماندهی سردار سید محمد حجازی از زبان سردار حسین اشتری

اولین متون فکری و آموزشی سپاه را شهید حجازی و دوستانش تدوین کردند

■ **سردار علی شمشیری**

من از دوران دبیرستان با شهید سید محمد حجازی آشنا شدم و از همان زمان با هم بودیم. ایشان و برادرشان شهید سید احمد حجازی از جوان‌های انقلابی آگاه و فکور از دوران بودند. خصوصاً سید محمد که شخصیتی فکری و برنامه‌ریز داشت و معمولاً محور بحث‌های فکری سالم قبل از انقلاب در دبیرستان و دانشگاه می‌شد.

یادم است که سال اول دانشگاه گروه‌های چپ بسیار فعال بودند و اکثر جوان‌ها جذب این گروه‌ها می‌شدند. فقط کسانی که مایه فکری و اعتقادی قوی داشتند و کار فکری کرده بودند می‌توانستند از دست آنها نجات یابند. قبل از انقلاب سید محمد کتاب‌های جریان‌های چپ را تحلیل می‌کرد و به بچه‌های دیگر کمک می‌کرد تا به دام چنین گروه‌هایی نیفتند. لذا افرادی که با ایشان ارتباط داشتند، در مباحث حالت دفاعی نداشتند. حالت هجومی داشتند و ما در مجموعه دوستان‌مان کمترین آسیب را از این گروه‌های چپ می‌دیدیم.

البته عوامل دیگر هم در اینکه دوستان به دام این گروه‌ها نیفتند موثر بودند، ولی شیوه و کاری که شهید حجازی قبل انقلاب روی دانشجوها و دانش آموزان می‌کرد آنها را به نوعی مصونیت می‌بخشید و اجازه نمی‌داد تفکرات منحرف روی این جوان‌ها تأثیر بگذارند.

بعد از پیروزی انقلاب، در همان روزهای اولی که سپاه تأسیس شد، ایشان به عضویت آن درآمدند و کار آموزشی آنجا را انجام دادند. ایشان در مواردی کار کردهای مختلفی پیشنهاد شده بود، ولی شهید حجازی به همراه شهید سلطانی و شهید مظاهری یک جمعی را تشکیل دادند و به آموزش نیروها پرداختند.

می‌دانید که در روزهای اول تأسیس سپاه، در بحث نظ